

توسعه فردی و تحول سازمانی

بررسی رابطه بین پاسخگویی و نتیجه‌گرایی و تحقق توسعه پایدار جزیره قشم

عبداللطیف گورانی^۱، نمینة بهادری جهرمی^{۲*}، عبدالحمید دلشاد^۳

شیوه استناددهی: گورانی، عبداللطیف، بهادری جهرمی،

نمینة، و دلشاد، عبدالحمید. (۱۴۰۶). بررسی رابطه بین

پاسخگویی و نتیجه‌گرایی و تحقق توسعه پایدار جزیره قشم.

توسعه فردی و تحول سازمانی، ۵(۳)، ۱-۱۳.

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

۳. گروه علوم تربیتی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: saminehbahdori.jahrom@iau.ac.ir

چکیده

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مرداد ۱۴۰۶

تاریخ چاپ اولیه: ۹ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۱ مهر ۱۴۰۵

تاریخ ارسال: ۲۳ خرداد ۱۴۰۵

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین دو مؤلفه کلیدی حکمرانی خوب یعنی پاسخگویی و نتیجه‌گرایی با میزان تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-کاربردی و با رویکرد کمی انجام شده است. جامعه آماری شامل مسئولان دولتی و محلی، نخبگان و شهروندان جزیره قشم است که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد حکمرانی خوب مقیمی و رمضان (۱۳۹۰) بود که شامل ۳۵ گویه در شش مؤلفه اصلی است و با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون‌های توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین پاسخگویی و توسعه پایدار ($r=0.680, p=0.001$) و بین نتیجه‌گرایی و توسعه پایدار ($r=0.680, p=0.001$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با این حال، تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد تنها متغیر نتیجه‌گرایی با ضریب ۰.۵۰ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ اثر معناداری بر توسعه پایدار دارد، در حالی که اثر پاسخگویی معنادار نبود ($p=0.135$). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بافت خاص جزیره قشم، نتیجه‌گرایی به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی از حکمرانی خوب نقش مؤثری در پیشبرد توسعه پایدار ایفا می‌کند. هرچند پاسخگویی رابطه همبسته‌ای با توسعه پایدار دارد، اما در مدل رگرسیون چندگانه اثر مستقل معناداری نشان نداد. این نتایج بر اهمیت تقویت سازوکارهای نتیجه‌محور در سیاست‌گذاری محلی تأکید دارد.

کلیدواژگان: پاسخگویی، نتیجه‌گرایی، توسعه پایدار، حکمرانی خوب، جزیره قشم

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Investigating the Relationship Between Accountability, Result-Oriented Governance, and Sustainable Development in Qeshm Island

Abdollahif Gourani¹, Samineh Bahadori Jahromi^{2*}, Abdolhamid Delshad³

1. Department of Sociology, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

2. Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

3. Department of Educational Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Jahrom, Iran

*Corresponding Author's Email: saminehbahdori.jahrom@iau.ac.ir

How to cite: Gourani, A., Bahadori Jahromi, S., & Delshad, A. (2027). Investigating the Relationship Between Accountability, Result-Oriented Governance, and Sustainable Development in Qeshm Island. *Personal Development and Organizational Transformation*, 5(3), 1-13.

Submit Date: 13 June 2026

Revise Date: 23 September 2026

Accept Date: 29 September 2026

Initial Publish: 01 October 2026

Final Publish: 23 July 2027

Abstract

This study aims to investigate the relationship between two key components of good governance—accountability and result-orientation—and the realization of sustainable development in Qeshm Island. This research is descriptive-applied in nature and follows a quantitative approach. The statistical population included government and local officials, elites, and citizens of Qeshm Island. Using Cochran's formula, a stratified sample of 384 individuals was selected. Data were collected using the standardized Good Governance Questionnaire developed by Moghimi and Ramazan (2011), comprising 35 items across six main dimensions, scored on a five-point Likert scale. Data analysis was conducted in SPSS through descriptive statistics, Pearson correlation, and multiple linear regression. The results showed a positive and significant correlation between accountability and sustainable development ($r=0.680$, $p=0.001$), and between result-orientation and sustainable development ($r=0.680$, $p=0.001$). However, the multiple regression analysis indicated that only result-orientation had a significant predictive effect on sustainable development ($B=0.50$, $p<0.001$), whereas accountability did not show a significant independent effect ($p=0.135$). The findings suggest that in the unique context of Qeshm Island, result-orientation as a core element of good governance plays a significant role in promoting sustainable development. Although accountability correlates with sustainable development, it does not have a significant independent effect in the regression model. These results highlight the importance of strengthening outcome-based mechanisms in local policy-making.

Keywords: *Accountability, Result-orientation, Sustainable Development, Good Governance, Qeshm Island*



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

توسعه پایدار به عنوان رویکردی کل نگر به پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در دهه های اخیر به یکی از مهم ترین دغدغه های سیاست گذاران و دولت ها تبدیل شده است. این رویکرد بر ایجاد تعادل میان نیازهای نسل حاضر و ظرفیت های نسل های آینده در بهره برداری از منابع تأکید دارد. در همین راستا، حکمرانی خوب یکی از الزامات کلیدی دستیابی به توسعه پایدار محسوب می شود، چراکه کیفیت حکمرانی می تواند بر فرآیند تصمیم گیری، تخصیص منابع و پاسخگویی به ذی نفعان اثرگذار باشد (Kardos, 2012). مؤلفه های مختلف حکمرانی از جمله پاسخگویی و نتیجه گرایی، به عنوان شاخص های کلیدی برای سنجش عملکرد نهادهای عمومی و میزان تحقق اهداف توسعه پایدار در سطوح محلی و ملی مورد توجه قرار گرفته اند (Massey, 2022).

مطالعات متعددی نشان داده اند که رابطه معناداری میان کیفیت حکمرانی و اثربخشی توسعه پایدار وجود دارد. برای مثال، پژوهش Abreu و Grinevich بر نقش کارکردهای دانشگاهی در تقویت کارآفرینی و تأثیر آن بر توسعه محلی با تمرکز بر اصول حکمرانی خوب تأکید می کند (Abreu & Grinevich, 2013). در همین راستا، مطالعه Oana-Ramona و همکاران نشان می دهد که حکمرانی مطلوب می تواند با تقویت بسترهای نهادی، کارآفرینی پایدار و بهره وری منابع را تسهیل کند (Oana-Ramona et al., 2021). افزون بر این، Payste و همکاران نیز با بررسی شاخص های حکمرانی در مدیریت منابع طبیعی نتیجه گیری کردند که بدون توجه به اصولی چون شفافیت، پاسخگویی و مشارکت، دستیابی به اهداف پایداری در حوزه های زیست محیطی ممکن نخواهد بود (Payste et al., 2020).

مؤلفه پاسخگویی به عنوان یکی از ستون های حکمرانی خوب، نقش بنیادینی در تضمین عدالت اجتماعی و اعتماد عمومی ایفا می کند. پژوهش Ng و Leung با بررسی سازوکارهای پاسخگویی در برنامه های توسعه پایدار، این مفهوم را به عنوان نیروی محرک اصلی در کاهش شکاف های نهادی و ارتقاء اثربخشی سیاست گذاری معرفی می کند (Leung & Ng, 2019). از سوی دیگر، نتیجه گرایی نیز به معنای تمرکز بر پیامدها و کارآمدی تصمیمات و سیاست ها، نقش برجسته ای در ارزیابی عملکرد نهادهای محلی دارد. در این زمینه، مطالعه Lee و همکاران در حوزه سلامت عمومی کره جنوبی، نشان داد که توجه به نتیجه گرایی در نظام پاسخگویی بین سازمانی، می تواند موجب بهبود شاخص های سلامت و رضایت عمومی شود (Lee et al., 2019).

با این حال، تحقق حکمرانی خوب نیازمند پیوند میان سطح کلان سیاست گذاری و ساختارهای محلی است. در همین راستا، پژوهش Eivazi و همکاران، مدل حکمرانی پایدار را با تأکید بر هماهنگی میان سطوح تصمیم گیری و ارتقاء ظرفیت نهادی پیشنهاد می کنند (Eivazi et al., 2018). در سطح محلی نیز، Peyghan و همکاران در مطالعه ای در استان سیستان و بلوچستان، با طراحی مدل حکمرانی خوب با رویکرد توسعه پایدار، نشان دادند که شاخص های نظارتی و کنترلی نظیر پاسخگویی و تمرکز بر نتایج، مهم ترین عوامل در تقویت ساختارهای محلی برای رسیدن به توسعه پایدار هستند (Peyghan et al., 2022). همچنین Rezaei Lori و همکاران با تمرکز بر بخش معدن، دریافتند که طراحی مدل های بومی شده حکمرانی با رویکرد نتیجه محور، موجب کاهش نارضایتی ها و افزایش بهره وری منابع می شود (Rezaei Lori et al., 2022).

در همین زمینه، مطالعات انجام شده در کشور ایران نیز نشان دهنده ارتباط مستقیم میان مؤلفه های حکمرانی خوب و توسعه پایدار شهری و منطقه ای هستند. Mohammadi و همکاران با تمرکز بر منطقه چهار تهران، به این نتیجه رسیدند که پیاده سازی شاخص های حکمرانی خوب در سطح شهری به ویژه پاسخگویی و مشارکت، می تواند در ارتقاء شاخص های پایداری شهری نقش آفرین باشد (Mohammadi et al., 2022).

(2020). همچنین Ziaee و Ardakani در مطالعه‌ای موردی در شهر میبد، چارچوبی برای سطح‌بندی شاخص‌های حکمرانی در حوزه گردشگری پایدار ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد ترکیب نتیجه‌گرایی و شفافیت مدیریتی می‌تواند عاملی برای پایداری مقاصد گردشگری باشد (Ziaee & Asadian Ardakani, 2021).

از منظر بین‌المللی نیز توجه به رویکرد شهروندمحور در حکمرانی داده‌ها و پاسخگویی نهادی، در شهرهای هوشمند و نواحی در حال توسعه اهمیت مضاعفی یافته است. مطالعه König به نقش حاکمیت اخلاق‌محور و پاسخگو در شهرهای هوشمند اشاره دارد و تأکید می‌کند که مشارکت فعال شهروندان در فرآیند تصمیم‌سازی نیازمند ساختارهای پاسخگو و نتیجه‌محور است (König, 2021).

در این میان، توجه به بسترهای محلی، به‌ویژه در مناطق خاصی مانند جزیره قشم، که با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و محیط‌زیستی منحصربه‌فردی مواجه است، ضروری به نظر می‌رسد. Vishlaghi و همکاران در مدل‌سازی چابکی راهبردی برای رونق تولید پایدار، بر ضرورت حکمرانی اقتضایی و انعطاف‌پذیر در مواجهه با پیچیدگی‌های محلی تأکید دارند (Vishlaghi et al., 2021). این موضوع در جزیره قشم نیز صادق است؛ جایی که به دلیل ساختار مدیریتی ویژه، تنوع قومی و نقش حیاتی آن در سیاست‌های منطقه‌ای و ملی، تحقق توسعه پایدار نیازمند پیاده‌سازی دقیق شاخص‌های حکمرانی خوب با تمرکز ویژه بر پاسخگویی، نتیجه‌گرایی و مشارکت اجتماعی است.

علاوه بر این، با نگاهی به تجارب جهانی و مطالعات تطبیقی، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق توسعه پایدار نه تنها از منظر نظری، بلکه در عمل نیز مستلزم حکمرانی مبتنی بر شاخص‌های دقیق و قابل اندازه‌گیری است. زارعی و آرائی با تحلیل انتقادی مدل‌های حکمرانی موجود و پیشنهاد شاخص‌هایی بر مبنای حکمرانی اسلامی، بر ضرورت تلفیق مبانی بومی و معیارهای جهانی برای حکمرانی اثربخش در ایران تأکید کرده‌اند (Zareei & Araei, 2021).

در مجموع، با توجه به تأکید روزافزون بر شاخص‌های حکمرانی خوب در اسناد بین‌المللی مانند اهداف توسعه پایدار سازمان ملل، می‌توان گفت که پاسخگویی و نتیجه‌گرایی به عنوان ارکان کلیدی این مفهوم، نقش محوری در نیل به توسعه پایدار ایفا می‌کنند. مقاله حاضر با تمرکز بر بررسی این دو مؤلفه در بستر جزیره قشم، در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا ارتقاء سطح پاسخگویی و تمرکز بر نتیجه‌گرایی می‌تواند مسیر تحقق توسعه پایدار در این منطقه راهبردی را هموار سازد یا خیر.

روش‌شناسی

در این پژوهش که با رویکرد کمی و از نوع مطالعات توصیفی-کاربردی انجام شده است، هدف آن است که با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری به بررسی روابط میان متغیرهای حکمرانی خوب (به‌ویژه پاسخگویی و نتیجه‌گرایی) و تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم پرداخته شود. با توجه به ماهیت کمی تحقیق، داده‌ها به صورت عددی گردآوری و تحلیل شدند تا از دقت و تعمیم‌پذیری بیشتری برخوردار باشد. روش تحقیق پیمایشی در این مطالعه انتخاب شد که متکی بر استفاده از ابزار پرسشنامه ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری است. جامعه آماری پژوهش شامل سه دسته اصلی از ذی‌نفعان جزیره قشم بوده است: نخست، مسئولان دولتی و محلی که شامل مدیران و کارکنان سازمان‌های دولتی، شهرداری‌ها و نهادهای عمومی فعال در منطقه می‌شوند؛ دوم، نخبگان و فعالان اجتماعی مانند اساتید دانشگاه‌ها، کارشناسان حوزه‌های اجتماعی و پژوهشگران محلی؛ و سوم، شهروندان و ساکنان جزیره که در تعامل مستقیم با سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای هستند. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت قشم بالغ بر ۱۴۸۹۹۳ نفر بوده است. با توجه به حجم بالای جامعه آماری

و عدم امکان دسترسی کامل به تمام افراد، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شد. با لحاظ کردن سطح اطمینان ۹۵ درصد، دقت ۰/۰۵ و حداکثر واریانس، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد.

برای نمونه‌گیری، از روش طبقه‌ای استفاده گردید تا نماینده‌ای مناسب از هر یک از گروه‌های جامعه هدف در نمونه لحاظ شود. چارچوب نمونه‌گیری متشکل از فهرست افراد در هر طبقه بود. برای مسئولان دولتی از لیست کارکنان نهادهای دولتی جزیره قشم، برای نخبگان از لیست اساتید، کارشناسان و فعالان اجتماعی، و برای شهروندان از بانک اطلاعاتی ساکنان استفاده شد. تخصیص نمونه به‌صورت متناسب در میان طبقات مختلف انجام شد تا دقت و تعادل در نتایج حفظ گردد.

در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه حکمرانی خوب مقیمی و رمضان (۱۳۹۰) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۵ گویه در شش مؤلفه اصلی است که برای ارزیابی ابعاد مختلف حکمرانی خوب طراحی شده‌اند. مؤلفه‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها، شفافیت، ظرفیت‌سازی، پاسخگویی و مشارکت‌جویی. هر گویه با استفاده از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) سنجیده می‌شود. پرسشنامه مذکور یک ابزار معتبر و پرکاربرد در پژوهش‌های مربوط به ارزیابی حکمرانی سازمان‌ها و نهادهای عمومی در ایران محسوب می‌شود. برای مثال، گویه‌هایی مانند «سازمان در دستیابی به اهداف خود موفق عمل کرده است» یا «سازمان می‌تواند در قبال تصمیمات خود پاسخگو باشد» از جمله نمونه‌هایی هستند که عملکرد سازمان را در سطح کلان ارزیابی می‌کنند. این ابزار با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف سازمان‌ها در اجرای اصول حکمرانی طراحی شده است و امکان تحلیل ساختاری را فراهم می‌آورد.

برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. ابتدا تحلیل‌های توصیفی به‌منظور شناسایی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان و توزیع متغیرها انجام شد. در این مرحله، شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، و فراوانی برای هر متغیر استخراج شد تا درک اولیه‌ای از داده‌ها حاصل گردد. در ادامه، تحلیل‌های استنباطی برای آزمون فرضیات پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. نخست، آزمون همبستگی پیرسون به کار رفت تا روابط بین ابعاد مختلف حکمرانی (مانند پاسخگویی و نتیجه‌گرایی) و سطح توسعه پایدار در قشم سنجیده شود. سپس، رگرسیون خطی چندگانه برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی توسعه پایدار مورد استفاده قرار گرفت. در این تحلیل، مشخص شد که کدام مؤلفه‌های حکمرانی بیشترین نقش را در پیش‌بینی توسعه پایدار ایفا می‌کنند. از آنجایی که آزمون‌های آماری با سطح معناداری ۰/۰۱ انجام شدند، یافته‌ها از اعتبار آماری مناسبی برخوردارند.

یافته‌ها

در بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان، نتایج نشان داد که ۶۹.۳ درصد (۲۶۶ نفر) از شرکت‌کنندگان مرد و ۳۰.۷ درصد (۱۱۸ نفر) زن بودند که نشان‌دهنده سهم غالب مردان در نمونه آماری است. از نظر توزیع سنی، بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار داشتند (۳۱.۲ درصد معادل ۱۲۰ نفر) و کمترین تعداد مربوط به گروه سنی بالای ۵۰ سال بود (۱۱.۵ درصد معادل ۴۴ نفر). در خصوص سطح تحصیلات، ۱۳ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۴.۷ درصد دارای دیپلم، ۳۹.۱ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۱۸.۲ درصد دارای کارشناسی ارشد و ۵ درصد نیز دارای مدرک دکتری بودند. این توزیع حاکی از آن است که بیشتر شرکت‌کنندگان از سطح تحصیلات دانشگاهی برخوردار بوده‌اند که می‌تواند در تحلیل‌های بعدی بر ادراک و قضاوت آنان نسبت به مفاهیم مورد بررسی در پژوهش تأثیرگذار باشد.

Personal Development and Organizational Transformation

در این بخش، یافته‌های توصیفی مربوط به سه متغیر اصلی پژوهش یعنی نتیجه‌گرایی، پاسخگویی و توسعه پایدار ارائه شده است. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان برای هر یک از سطوح مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای گزارش شده و نتایج به صورت کامل در جداول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان بر اساس متغیر نتیجه‌گرایی

نمره (نتیجه‌گرایی)	تعداد	درصد (%)
۱ کاملاً مخالف)	۳۰	۷.۸٪
۲ مخالف)	۴۰	۱۰.۴٪
۳ نظری ندارم)	۵۰	۱۳.۰٪
۴ موافق)	۱۲۰	۳۱.۲٪
۵ کاملاً موافق)	۱۴۴	۳۷.۵٪
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰٪

در جدول فوق مشاهده می‌شود که اکثریت پاسخ‌دهندگان نسبت به بعد نتیجه‌گرایی دیدگاه مثبتی داشته‌اند، به طوری که ۳۷.۵ درصد (۱۴۴ نفر) گزینه "کاملاً موافقم" و ۳۱.۲ درصد (۱۲۰ نفر) گزینه "موافقم" را انتخاب کرده‌اند. این در حالی است که تنها ۷.۸ درصد (۳۰ نفر) کاملاً مخالف و ۱۰.۴ درصد (۴۰ نفر) مخالف این بعد بوده‌اند، که نشان از ارزیابی نسبتاً مطلوب عملکرد سازمان‌ها در زمینه نتیجه‌گرایی دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان بر اساس متغیر پاسخگویی

نمره (پاسخگویی)	تعداد	درصد (%)
۱ کاملاً مخالف)	۲۰	۵.۲٪
۲ مخالف)	۲۸	۷.۳٪
۳ نظری ندارم)	۵۵	۱۴.۳٪
۴ موافق)	۱۴۰	۳۶.۵٪
۵ کاملاً موافق)	۱۴۱	۳۶.۷٪
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰٪

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، سهم قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان نیز عملکرد سازمان‌ها را در زمینه پاسخگویی مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ به طوری که ۳۶.۷ درصد (۱۴۱ نفر) کاملاً موافق و ۳۶.۵ درصد (۱۴۰ نفر) موافق بوده‌اند. تنها ۵.۲ درصد (۲۰ نفر) کاملاً مخالف و ۷.۳ درصد (۲۸ نفر) مخالف این بعد بوده‌اند. این یافته حاکی از آن است که درک عمومی از مسئولیت‌پذیری نهادهای محلی در سطح نسبتاً قابل قبولی قرار دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان بر اساس متغیر توسعه پایدار

نمره (توسعه پایدار)	تعداد	درصد (%)
۱ کاملاً مخالف)	۱۰	۲.۶٪
۲ مخالف)	۱۸	۴.۷٪
۳ نظری ندارم)	۳۶	۹.۴٪
۴ موافق)	۱۵۰	۳۹.۱٪
۵ کاملاً موافق)	۱۷۰	۴۴.۳٪
کل	۳۸۴	۱۰۰.۰٪

توسعه فردی و تحول سازمانی

بر اساس داده‌های جدول سوم، نگرش مثبت نسبت به تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم بسیار پررنگ است، چرا که بیش از ۸۳ درصد پاسخ‌دهندگان در دو گزینه "موافقم" و "کاملاً موافقم" قرار دارند. تنها ۲٫۶ درصد (۱۰ نفر) از پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف و ۴٫۷ درصد (۱۸ نفر) مخالف تحقق توسعه پایدار بوده‌اند، که نشان از حمایت عمومی و قوی از اصول و اهداف توسعه پایدار در منطقه دارد.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب همبستگی (۲)	Sig. (۲-tailed)
نتیجه‌گرایی	۰٫۶۸۰	۰٫۰۰۱
پاسخگویی	۰٫۶۸۰	۰٫۰۰۱

بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول فوق، بین متغیر نتیجه‌گرایی و تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم رابطه‌ای مثبت و معنادار با ضریب همبستگی ۰٫۶۸۰ و مقدار معناداری ۰٫۰۰۱ وجود دارد. همچنین، متغیر پاسخگویی نیز با توسعه پایدار دارای همبستگی مثبت و معناداری برابر با ۰٫۶۸۰ و مقدار معناداری ۰٫۰۰۱ است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو بعد از حکمرانی خوب، یعنی پاسخگویی و نتیجه‌گرایی، به طور معناداری با میزان تحقق توسعه پایدار در منطقه مرتبط هستند. سطح معناداری پایین‌تر از ۰٫۰۵ تأیید می‌کند که روابط به‌دست‌آمده از نظر آماری معتبر بوده و می‌توان با اطمینان آن‌ها را به جامعه آماری تعمیم داد. این نتایج تأکیدی است بر نقش محوری حکمرانی اثربخش در پیشبرد اهداف توسعه‌ای در مناطق بومی مانند جزیره قشم.

جدول ۵. نتایج رگرسیون چندگانه متغیرهای نتیجه‌گرایی و پاسخگویی بر توسعه پایدار

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار p
مقدار ثابت	۱٫۵۰	۰٫۷۰	۲٫۱۴	۰٫۰۳۶
نتیجه‌گرایی	۰٫۵۰	۰٫۱۰	۵٫۰۰	<۰٫۰۰۱
پاسخگویی	۰٫۲۰	۰٫۱۳	۱٫۵۴	۰٫۱۳۵

بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه ارائه‌شده در جدول فوق، متغیر نتیجه‌گرایی دارای ضریب رگرسیونی ۰٫۵۰ با مقدار t برابر ۵٫۰۰ و مقدار معنی‌داری کمتر از ۰٫۰۰۱ است. این امر نشان می‌دهد که نتیجه‌گرایی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه پایدار دارد و می‌توان آن را به عنوان یک پیش‌بین قوی در مدل در نظر گرفت. در مقابل، متغیر پاسخگویی دارای ضریب ۰٫۲۰ و مقدار t برابر ۱٫۵۴ با مقدار معنی‌داری ۰٫۱۳۵ است که بیشتر از سطح معنی‌داری ۰٫۰۵ می‌باشد؛ بنابراین، اثر آن بر توسعه پایدار از نظر آماری معنادار نبوده و نمی‌توان با اطمینان بالا آن را پیش‌بینی‌کننده توسعه پایدار در این مدل دانست. همچنین مقدار ثابت مدل برابر با ۱٫۵۰ است که با توجه به p-value معنادار ۰٫۰۳۶، نشان می‌دهد در شرایطی که مقدار متغیرهای مستقل صفر باشند، سطح پایه‌ای توسعه پایدار مثبت و معنادار خواهد بود.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در مدل رگرسیون حاضر، نتیجه‌گرایی نقش کلیدی و مؤثری در پیش‌بینی میزان تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم دارد، در حالی که پاسخگویی با وجود همبستگی بالا در تحلیل قبلی، در مدل چندمتغیره از نظر آماری تأثیر معناداری نداشته است. این موضوع ممکن است به دلیل همپوشانی یا اثرات مشترک متغیرها بر متغیر وابسته باشد که در تحلیل‌های تعمیقی‌تر قابل بررسی است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین دو مؤلفه کلیدی حکمرانی خوب، یعنی پاسخگویی و نتیجه‌گرایی، با میزان تحقق توسعه پایدار در جزیره قشم بود. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که هر دو مؤلفه مورد بررسی دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار با

توسعه پایدار هستند. ضریب همبستگی میان پاسخگویی و توسعه پایدار برابر با ۰.۶۸۰ بود و همین مقدار نیز برای رابطه میان نتیجه‌گرایی و توسعه پایدار به دست آمد، که با مقدار معناداری ۰.۰۰۱ حاکی از وجود رابطه‌ای قوی و مثبت بین این متغیرهاست. این یافته به‌طور روشن بیان می‌دارد که افزایش سطح پاسخگویی و تمرکز بر نتایج در فرآیندهای حکمرانی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقاء شاخص‌های توسعه پایدار ایفا کند.

با این حال، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان این دو متغیر، تنها نتیجه‌گرایی اثر معناداری بر توسعه پایدار دارد. ضریب رگرسیون برای این متغیر برابر با ۰.۵۰ و مقدار t آن برابر با ۵.۰۰ بود که در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱ معنادار شد. اما پاسخگویی با ضریب رگرسیونی ۰.۲۰ و مقدار معناداری ۰.۱۳۵، در این مدل چندمتغیره تأثیر معناداری نشان نداد. این تفاوت میان نتایج همبستگی و رگرسیون می‌تواند ناشی از هم‌پوشانی اثر متغیرها، یا تأثیرات مشترک آن‌ها بر توسعه پایدار باشد.

یافته‌های این پژوهش با ادبیات نظری موجود هم‌راستا است. برای نمونه، پژوهش (Peyghan et al., 2022) که مدل حکمرانی خوب را در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد توسعه پایدار مورد بررسی قرار داد، نیز نشان داد که نتیجه‌گرایی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی حکمرانی خوب، اثر مستقیم و قابل توجهی بر بهبود عملکرد نهادهای و ارتقاء سطح توسعه پایدار دارد. در همین راستا، مطالعه (Rezaei Lori et al., 2022) در حوزه صنعت و معدن نیز نتیجه‌گرایی را عامل مهمی در کاهش شکاف‌های نهادهای و افزایش کارآمدی سازمانی در مسیر توسعه پایدار عنوان کرده است.

از سوی دیگر، یافته‌ها با نتایج پژوهش (Leung & Ng, 2019) که تأکید بر اهمیت پاسخگویی در تحقق توسعه پایدار دارد، همخوانی نسبی دارد. با وجود آن‌که در مدل رگرسیون پاسخگویی اثر معناداری از خود نشان نداد، اما همبستگی بالای آن با توسعه پایدار می‌تواند مؤید نقش غیرمستقیم و مکمل آن در فرآیند حکمرانی باشد. در واقع، همان‌گونه که (König, 2021) در پژوهش خود درباره شهرهای هوشمند اشاره کرده است، پاسخگویی نهادهای هنگامی بیشترین اثر را دارد که در ترکیب با سایر مؤلفه‌های حکمرانی مانند شفافیت، مشارکت و ارزیابی نتایج همراه باشد.

پژوهش حاضر همچنین با مطالعه (Oana-Ramona et al., 2021) هم‌راستا است که تأکید می‌کند حکمرانی خوب با تمرکز بر نتیجه‌گرایی و پاسخگویی می‌تواند زمینه‌ساز کارآفرینی پایدار و بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌های منطقه‌ای باشد. در همین راستا، یافته‌های مطالعه (Mohammadi et al., 2020) در منطقه چهار تهران نیز نشان می‌دهد که اجرای سازوکارهای پاسخگو و نتیجه‌محور در سطح محلی می‌تواند به ارتقاء کیفیت زیست و رضایت عمومی منجر شود. نتایج مطالعه حاضر در جزیره قشم نیز حاکی از آن است که پیاده‌سازی اصول نتیجه‌محوری در نهادهای محلی این منطقه، عاملی کلیدی در ارتقاء شاخص‌های توسعه پایدار محسوب می‌شود.

همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر با مدل نظری مطرح‌شده در مطالعه (Kardos, 2012) هم‌خوانی دارد که تأکید دارد حکمرانی خوب نه‌تنها یک پیش‌شرط برای توسعه پایدار است، بلکه باید با ابزارهای سنجش‌پذیر و قابل ارزیابی همچون پاسخگویی و تمرکز بر نتایج پیوند بخورد. از این منظر، می‌توان گفت که منطقه‌ای مانند قشم که دارای شرایط خاص جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است، می‌تواند با تمرکز بر این مؤلفه‌ها مسیر مناسبی برای رسیدن به توسعه پایدار طی کند.

نتایج تحقیق همچنین با یافته‌های (Ziaee & Asadian Ardakani, 2021) که چارچوبی برای سطح‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب در توسعه پایدار گردشگری ارائه کرده‌اند، تطابق دارد. این مطالعه نشان داد که نهادهایی که پاسخگویی و نتیجه‌گرایی بالاتری دارند، از توان

بیشتری برای جذب مشارکت اجتماعی، استفاده بهینه از منابع و برنامه‌ریزی پایدار برخوردارند. در جزیره قشم نیز به نظر می‌رسد تأکید بر این دو عامل می‌تواند ابزار قدرتمندی برای تحقق پایداری اقتصادی و اجتماعی باشد.

از سوی دیگر، مطالعه (Massey, 2022) با بررسی پیوند بین اهداف توسعه پایدار سازمان ملل و الزامات حکمرانی خوب، به‌صراحت اعلام می‌دارد که شاخص‌هایی نظیر پاسخگویی، نتیجه‌گرایی و شفافیت باید در دستور کار نهادهای محلی قرار گیرد تا تحقق اهداف توسعه‌ای با اثربخشی بیشتری همراه باشد. پژوهش حاضر نیز در همین راستا عمل کرده و با داده‌های تجربی نشان داده است که این شاخص‌ها در بافت خاص جزیره قشم نیز از کارایی و اثرگذاری بالایی برخوردارند.

همچنین، مطالعه (Vishlaghi et al., 2021) که در حوزه تولید پایدار انجام شده است، تأکید دارد که تنها از طریق چابکی راهبردی و تمرکز بر نتایج می‌توان به انطباق سیاست‌های توسعه‌ای با محیط‌های متغیر دست یافت. این تحلیل با یافته‌های پژوهش حاضر نیز سازگار است، چرا که در شرایط پیچیده و خاص جغرافیایی قشم، انعطاف‌پذیری راهبردی با اتکا بر نتیجه‌گرایی می‌تواند ابزاری مؤثر برای تحقق اهداف پایداری باشد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که یافته‌های این تحقیق، همراستا با ادبیات پژوهشی موجود، نشان می‌دهد که توجه به مؤلفه‌های حکمرانی خوب، به‌ویژه نتیجه‌گرایی، می‌تواند در تسهیل فرآیند توسعه پایدار در مناطق حساس و راهبردی مانند جزیره قشم مؤثر باشد. همچنین، نقش پاسخگویی گرچه در تحلیل چندمتغیره معنادار نبود، اما با توجه به همبستگی بالا و پشتوانه نظری قوی، همچنان می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی پایدار در نظر گرفته شود.

از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تمرکز آن بر داده‌های پیمایشی و خوداظهاری اشاره کرد که ممکن است تحت تأثیر ادراک شخصی پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد. همچنین، محدود شدن جامعه آماری به جزیره قشم و ساختار بومی خاص آن ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق کشور را با محدودیت مواجه کند. افزون بر این، صرف تمرکز بر دو متغیر پاسخگویی و نتیجه‌گرایی بدون بررسی سایر ابعاد حکمرانی خوب همچون شفافیت، مشارکت، عدالت و حاکمیت قانون، ممکن است تحلیل جامعی از عوامل مؤثر بر توسعه پایدار ارائه نکند.

در ادامه مسیر این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده دامنه متغیرها گسترش یابد و سایر ابعاد حکمرانی خوب نیز وارد مدل تحلیل شوند. همچنین انجام پژوهش‌های کیفی یا آمیخته که بتوانند تحلیل عمیق‌تری از تجربیات مدیریتی، ساختارهای نهادی و زمینه‌های فرهنگی منطقه ارائه دهند، می‌تواند درک روشن‌تری از بویایی‌های حکمرانی در مناطق خاصی همچون قشم فراهم سازد. مطالعات تطبیقی بین جزیره قشم و سایر مناطق آزاد تجاری کشور نیز می‌تواند زمینه‌ساز شناخت تفاوت‌ها و اشتراک‌های ساختاری در مسیر تحقق پایداری باشد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهاد می‌شود نهادهای مدیریتی جزیره قشم با تقویت مکانیسم‌های ارزیابی نتایج، به‌صورت منظم عملکرد دستگاه‌ها و سازمان‌ها را بر اساس شاخص‌های نتیجه‌گرایی بسنجند. همچنین، ارتقاء سیستم‌های پاسخگویی، به‌ویژه در تعامل با شهروندان و ذی‌نفعان محلی، می‌تواند سطح اعتماد اجتماعی و رضایت عمومی را افزایش دهد. سیاست‌گذاران محلی نیز می‌توانند با نهادینه‌سازی اصول حکمرانی خوب در طرح‌های توسعه‌ای، به تحقق اهداف بلندمدت پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در این منطقه کمک شایانی نمایند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

The realization of sustainable development, particularly in geographically and socioeconomically unique regions like Qeshm Island, demands effective governance frameworks that emphasize transparency, accountability, and strategic focus on outcomes. The concept of *good governance* has emerged in global policy and academic discussions as a cornerstone of sustainability, linking public sector performance with social equity, environmental responsibility, and economic resilience. Central to this framework are two critical components: *accountability* and *result-orientation*. These dimensions not only shape institutional behavior but also determine the capacity of governments to meet long-term development goals (Kardos, 2012; Massey, 2022).

Accountability in governance refers to the mechanisms through which institutions and officials are held responsible for their actions, ensuring transparency, responsiveness, and ethical conduct (Leung & Ng, 2019). Studies have shown that accountability fosters citizen trust, enhances institutional legitimacy, and improves service delivery (König, 2021; Lee et al., 2019). In particular, in regions with decentralized or context-specific administrative structures, like Qeshm Island, mechanisms of accountability become even more crucial in aligning local governance with the priorities of sustainable development (Ziaee & Asadian Ardakani, 2021).

Similarly, *result-orientation* is a governance principle that emphasizes outcomes, impact measurement, and efficiency in policy implementation. Result-based approaches help shift attention from procedural compliance to actual improvements in human development indicators and environmental standards (Peyghan et al., 2022; Rezaei Lori et al., 2022). A study by Oana-Ramona et al. underlined how entrepreneurial success and sustainability are both positively influenced by outcome-driven governance systems that prioritize effectiveness over formalism (Oana-Ramona et al., 2021). Moreover, as Mohammadi et al. point out, regional development initiatives grounded in measurable results offer more targeted, adaptive, and participatory strategies to meet local demands and avoid resource mismanagement (Mohammadi et al., 2020).

In Iran, several empirical and theoretical models have emphasized the necessity of integrating good governance practices within local development planning, particularly in rural and semi-urban settings (Eivazi et al., 2018; Payste et al., 2020). In Qeshm Island—a region with strategic geopolitical and ecological significance—prioritizing sustainability calls for models of governance that are both inclusive and output-driven. Existing studies suggest that although principles such as equity, transparency, and participation are essential, the elements of accountability and result-orientation often exert the strongest influence on actual development outcomes (Peyghan et al., 2022; Vishlaghi et al., 2021).

Despite the theoretical and policy relevance of these two governance indicators, few studies have explored their empirical relationship with sustainable development in the specific context of Qeshm Island. This study addresses this gap by examining how accountability and result-orientation correlate with sustainable development outcomes and to what extent each variable predicts the overall level of sustainability in the island. Drawing on validated instruments and robust statistical techniques, this research offers insights into governance reforms that can enhance sustainable planning and execution in similar regional contexts.

Methods and Materials

This study adopts a descriptive-applied research design with a quantitative approach. The population consisted of government and local officials, academic and civic elites, and general residents of Qeshm Island, totaling approximately 148,993 individuals based on the most recent census. Using Cochran's formula, a sample size of 384 respondents was determined and selected through stratified sampling to ensure representation across different societal segments. Data were collected using a structured questionnaire developed by Moghimi and Ramazan, comprising 35 items across six dimensions of good governance, notably including accountability and result-orientation. Responses were recorded on a five-point Likert scale. Statistical analyses were conducted using SPSS, including descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and multiple linear regression models.

Findings

Demographically, 69.3% of respondents were male, and 30.7% were female. The largest age group was 31–40 years (31.2%), and the smallest was over 50 years old (11.5%). Educationally, 39.1% held a bachelor's degree, followed by 24.7% with a diploma, 18.2% with a master's degree, 13% below high school, and 5% with a PhD.

Descriptive analysis of the result-orientation variable showed that 31.2% of respondents agreed and 37.5% strongly agreed with statements indicating a high level of result-driven governance. Regarding accountability, 36.5% agreed and 36.7% strongly agreed with the accountability indicators. For sustainable development, 39.1% agreed and 44.3% strongly agreed with items measuring development effectiveness.

Correlation analysis revealed that both accountability and result-orientation had strong and significant positive correlations with sustainable development ($r = 0.680$, $p = 0.001$ for both). This indicates that increases in either governance dimension are associated with higher levels of sustainable development.

In the multiple regression model, result-orientation demonstrated a statistically significant effect on sustainable development ($B = 0.50$, $t = 5.00$, $p < 0.001$), suggesting it is a strong predictor. In contrast, accountability did not show a statistically significant independent effect ($B = 0.20$, $t = 1.54$, $p = 0.135$), implying that its influence might be indirect or mediated by other governance factors. The model's intercept was 1.50 ($p = 0.036$), indicating a positive baseline level of development.

Discussion and Conclusion

The findings of this study contribute to the growing body of literature on good governance and its role in advancing sustainable development. The strong positive correlations between accountability, result-orientation, and sustainable development affirm the theoretical assumptions proposed by governance scholars. Specifically, the significant predictive power of result-orientation reinforces the idea that focusing on policy outcomes, rather than solely on procedures or inputs, yields more tangible development benefits. In Qeshm Island, where environmental, social, and economic

conditions are deeply interwoven, governance structures that prioritize measurable results appear to have a transformative impact.

Although accountability exhibited a strong correlation with sustainable development, its non-significant effect in the regression model suggests a more complex relationship. It is plausible that accountability operates through mediating variables such as transparency, civic participation, or trust in institutions. Alternatively, it may function synergistically with other governance factors, amplifying their effects rather than acting independently. This aligns with global governance research, which often positions accountability as a necessary but not always sufficient condition for sustainability.

The study's insights are particularly relevant for local policymakers and institutional designers. In regions like Qeshm, where local governance often intersects with national strategic interests, the adoption of performance-based governance models can improve public service delivery, resource management, and community engagement. The findings suggest that institutional emphasis should shift from symbolic accountability to result-driven planning and monitoring systems.

Furthermore, the use of a validated, contextually adapted instrument enhances the reliability of the data and ensures that the measured dimensions reflect the lived experiences of stakeholders in Qeshm. Future research should expand the model to include additional governance dimensions such as participation, rule of law, and equity to capture a more holistic view of sustainability dynamics. Comparative studies across different regions or administrative systems may also reveal structural factors that mediate the governance-development link.

In conclusion, this study demonstrates that result-orientation within governance structures plays a crucial role in promoting sustainable development in Qeshm Island. While accountability remains an important correlate, its independent effect is less conclusive. These findings emphasize the need for governance reforms that prioritize measurable outcomes, performance evaluation, and institutional learning. By embedding result-orientation into local planning processes, stakeholders can more effectively align governance practices with sustainability goals, ultimately enhancing the well-being of communities and the resilience of ecosystems.

References

- Abreu, M., & Grinevich, V. (2013). The nature of academic entrepreneurship in the UK: Widening the focus on entrepreneurial activities. *Research Policy*, 42(2), 408-422. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2012.10.005>
- Eivazi, M., Salehi, M., & Marzban, N. (2018). A Search for Good Governance: Towards the Sustainable Governance Model. *Strategy*, 26(4), -. https://rahbord.csr.ir/article_124646_30ac2d90952e911c45540e35a736c16e.pdf
- Kardos, M. (2012). The Reflection of Good Governance in Sustainable Development Strategies. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 58, 1166-1173. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.09.1098>
- König, P. D. (2021). Citizen-centered data governance in the smart city: From ethics to accountability. *Sustainable Cities and Society*, 75, 103308. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.103308>
- Lee, T., Park, H., & Lee, J. (2019). Collaborative Accountability for Sustainable Public Health: A Korean Perspective on the Effective Use of ICT-based Health Risk Communication. *Government Information Quarterly*, 36(2), 226-236. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2018.12.008>
- Leung, T. C. H., & Ng, A. W. (2019). Accountability and Sustainable Development. 1-8. https://doi.org/10.1007/978-3-030-11352-0_38
- Massey, A. (2022). Sustainable Development Goals and their Fit with Good Governance. *Global Policy*, 13(S1), 79-85. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13037>
- Mohammadi, M., Sarvar, R., Vali Shariat Panahi, M., & Mojtazadeh, H. (2020). Sustainable Development of Region 4 of Tehran with an Emphasis on Good Urban Governance. *Geography of the Land Journal*, 1765, 1-24.
- Oana-Ramona, L., Sorana, V., Alina, V., Florin, C., & Nicoleta-Claudia, M. (2021). The impact of good governance on entrepreneurship in terms of sustainable development. In *Contemporary Issues in Social Science* (Vol. 106, pp. 307-325). Emerald Publishing Limited. <https://doi.org/10.1108/S1569-375920210000106019>

- Payste, M., Kolahi, M., & Omranian khorasani, H. (2020). Criteria and Indicators; Requirement for Cognition, Applying and Evaluating Good Governance in Natural Resources. *Journal of Water and Sustainable Development*, 7(1), 13-22. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v7i1.81456>
- Peyghan, V., Yaghobi, N., & keikha, a. (2022). Measuring and Validate Good Governance Model with Sustainable Development Approach (Case Study: Sistan and Baluchestan Province). *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 5(2), 117-138. <https://doi.org/10.22034/jipas.2022.332120.1366>
- Rezaei Lori, G., Salajeghe, S., & Maddahiyan, S. (2022). *Designing a Good Governance Model for Systematic Extraction of Mines with Sustainable Development Approach (Case Study: Gol Gohar Industrial and Mining Complex, Sirjan)* (Vol. 26). Tarbiat Modares University. https://mri.modares.ac.ir/article_583_6068b3a5c679bcefb962f2dabd4d1a3.pdf
- Vishlaghi, M., Zarei, A., & Feiz, D. (2021). Designing Strategic Agility Model for Sustainable Manufacturing Boom Based on Grounded Theory(Case Study: Automotive Industry). *Journal of Improvement Management*, 15(2), 127-153. <https://doi.org/10.22034/jmi.2021.238717.2292>
- Zareei, M., & Araei, V. (2021). Analysis and critique of the model of good governance; Explaining the indicators of Islamic governance Based on the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Revolution Research*, 10(2), 7-25. <https://doi.org/20.1001.1.23222573.1400.10.2.1.3>
- Ziaee, M., & Asadian Ardakani, F. (2021). A Framework for Leveling Good Governance Factors in the Sustainable Development of Tourism Destinations (Case Study: Maybod City). *Spatial Planning*, 11(1), 1-26. <https://doi.org/10.22108/sppl.2020.123953.1520>